



آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی

دکتر احمد پاکتچی^۱
(صفحه ۷ - ۴۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۱/۹

چکیده

در بازتابی که از شخصیت حضرت ابراهیم خلیل (ع)، به عنوان شخصیتی محوری در منابع ادیان ابراهیمی دیده می شود، دوره زندگی ابراهیم (ع) در موطن پدری بسیار بیش از دوره زندگی در شام مورد توجه قرآن و منابع اسلامی بوده است و این در حالی است که در منابع یهودی و مسیحی تنها در متون محدودی پرداخت به آن دیده می شود. از آنجا که قصص مربوط به آغاز دعوت ابراهیم (ع) در منابع هر سه دین، به صورت پراکنده و گسیخته نقل شده اند، در مقاله حاضر این قصص نخست به صورت قطعات داستانی مطالعه شده اند، بدون آن که روند روایت شناختی در آن ها لحاظ گردد و سپس این قطعات مورد به مورد در قصص قرآنی صورت بندی شده اند تا ترکیب داستانی در روند هر قصه قرآنی به دست آید. این صورت بندی بر اساس مؤلفه های

۸ صحیفه مبین، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸

مشترک بر آمده از قطعات پیش مطالعه شده تنظیم شده و در مقام مقایسه امکان می دهد که بتوان صورت بندی های کلان از داستان ها را به دست آورد. به موازات قرآن کوشش مشابهی نیز با همین گام ها در راستای دستیابی به صورت بندی های کلان در منابع یهودی - مسیحی انجام شده است تا زمینه ساز یک مطالعه مقایسه ای باشد.

در مقایسه نهایی به دست می آید روندهای داستانی با محوریت رویارویی ابراهیم (ع) با قوم خود و تحمل مصائبی از جانب ایشان که با نجات او خاتمه پذیرد، بن مایه مشترک میان بیشتر قصص اسلامی و یهودی - مسیحی است. طیف کوچک تری از قصص چالش های ابراهیم (ع) در فضای خانه پدری است که این طیف در قصص قرآنی بر محور تبیین وجه استغفار ابراهیم برای پدر است، در حالی که در قصص یهودی - مسیحی، بیشتر به دنبال تبیین آن است که هاران برادر ابراهیم چگونه کشته شده است. در طیف اخیر داستانی قرآنی استغفار ابراهیم (ع) برای پدرش، درسی آموزنده درباره نحوه رفتار با والدین گمراه و نیز درسی شامل تر درباره نحوه رفتار پیامبران با دشمنان دین است و به کلی از روند و مقاصد داستان هایی با صورت بندی اول تمایز یافته است. تمایزی که در صورت بندی اول ناظر به ستیزی بی امان با اصل کفر، و در صورت بندی دوم ناظر به نوعی نرمش در رویارویی با مبتلایان به کفر است. در حالی که این صورت بندی دو وجهی در پرداخت های قرآن کریم به وضوح دیده می شود. چنان که مشاهده شد در متون یهودی به نفع صورت بندی اول با رویکرد ستیز، قطبی شده است.

کلید واژه ها: ابراهیم (ع)، بت شکنی، قصص الانبیاء، آپوکریفا، مدراش.

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۹

مقدمه (طرح مسأله)

حضرت ابراهیم خلیل (ع)، به عنوان شخصیتی محوری در ادیان ابراهیمی، به طور مشترک در منابع این ادیان مورد توجه قرار گرفته است؛ در سه دین بزرگ اسلام، یهودیت و مسیحیت، نهادینه شدن یگانه پرستی به ابراهیم (ع) بازگردانده و به نوعی آموزه های وی سرآغاز آموزه های سه دین شناخته شده است. افزون بر آن، این نکته که ابراهیم (ع) نیای سه پیامبر بزرگ، یعنی موسی، عیسی و پیامبر اسلام (ص) نیز شناخته می شود، زمینه ای دیگر برای توجه به شخصیت آن حضرت در این طیف از ادیان بوده است. با این همه باید توجه داشت که تفاوت در تأکیدهای پیامبران این سه دین الهی، و تنوع وسیع در گرایش های عالمان سه دین در بسط آموزه های کتب مقدس، موجب شده است تا تصویر ارائه شده از پیامبری چون ابراهیم با تفاوت های قابل توجهی روبه رو باشد. این تفاوت ها نه تنها در تفسیر جزئیات زندگی آن حضرت دیده می شود، بلکه اصل این که کدام بخش ها از زندگی او بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گیرد نیز میان این سه دین متفاوت بوده است. دوره زندگی ابراهیم (ع) در موطن پدری که به تعبیر دیگر می توان آن را آغاز دعوت ابراهیم (ع) دانست، در قرآن و روایات اسلامی، بسیار بیش از دوره زندگی آن حضرت در شام مورد توجه بوده است؛ این در حالی است که در منابع یهودی و مسیحی بیشترین تکیه بر وقایع مربوط به حضور آن حضرت در فلسطین و توجه کمتر به دوره آغاز دعوت وی عطف شده است. شاید همین اندک بودن اطلاعات در باره بخش مهمی از زندگی ابراهیم در منابع یهودی و مسیحی موجب شده است تا قرآن کریم تأکید کند که "اهل کتاب در باره برخی مسائل ابراهیم علم ندارند" (آل عمران، ۶۶).

همچنین آن چه در عمل از آن پیامبر بزرگ به دست پسنیان رسیده، نه آموزه هایی مدون، بلکه مجموعه ای از داستان ها ناظر به مقاطعی از زندگی اوست که در بردارنده روح آن آموزه هاست. مهم ترین آموزه های آن حضرت در باره خداپرستی و نفی خدایان دروغین، مربوط به دوره ای از زندگی اوست که از شیوه قوم خود دوری گرفته و در مقطعی به مبارزه با بت پرستی برخاسته است. در همین راستا باید گفت که چگونگی پرداخت داستان های مربوط به بت شکنی ابراهیم (ع) در منابع سه دین ابراهیمی، می تواند از سویی زمینه های مشترک توحیدی میان آن ها را نمایان سازد و از سوی نشان دهد که چه تفاوتی در جزئیات میان این سه دین در دوره های تاریخی مختلف آن ها دیده می شود. در مطالعه حاضر، مبنا در قصص ابراهیم، مضامین متعالی قرآن کریم است و سپس این مضامین با کتب دینی یهودی و مسیحی مقایسه شده است. بدیهی است جزئیاتی نیز اصالتاً در کتب دو دین وجود دارد که به سبب فقدان اشاره ای در قرآن کریم، از یادکرد آن ها صرف نظر شده است.

در مقاله حاضر، آن طیف از داستان های مربوط به حضرت ابراهیم (ع) به بحث نهاده شده اند، که در ترتیب وقایع، مربوط به دوره حضور حضرت در سرزمین پدری و پیش از ترک آن به سوی فلسطین بوده است. از حیث موضوع نیز داستان هایی انتخاب شده اند که در آن ها، ابراهیم (ع) به گونه ای اشتغال به دعوت داشته و داستان هایی کنار نهاده شده اند که در آن ها تنها شخص ابراهیم (ع) در ارتباط با خدا مطرح بوده است.

شیوه مطالعه نیز روند معمول در مباحث قصص قرآنی و حتی روایت شناسی

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۱۱

را ندارد، بلکه بیشتر کاوشی از جنس متن پژوهی^۱ است که در خلال آن گاه از مباحث روایت شناسی یاری گرفته شده است. توجه به قطعه های داستانی به مثابه واحدهایی مستقل، فارغ از آن که در منابع دینی به صورت داستانی منفرد یا در ضمن داستانی بلندتر آورده شده باشند، از همین روست. در این شیوه از بحث، موضوع نخستین برای مطالعه نه فراز و فرود داستان ها و پیوستگی روندی میان قطعه های مختلف، بلکه ساختار و روابط حاکم بر این قطعه هاست.

الف. بازشناسی قطعات داستانی

در این بخش از مطالعه، فارغ از آن که در گونه های مختلف داستان، چه روندی دنبال شده است، قطعه هایی مورد بررسی قرار می گیرند که هر کدام آمادگی دارند یک داستان مستقل باشند، یا در روندی از یک داستان بلندتر به عنوان بخشی از آن جای گیرند.

الف-۱. قطعه نقد بت پرستی

نخستین گام از دعوت ابراهیم (ع) در قرآن کریم در آنجاست که وی در مواجهه با آزر، پدر خود یا آن کس که در قرآن کریم پدر او خوانده شده است،^۲ به نقد بت پرستی می پردازد. وی خطاب به آزر می گوید: «آیا چند بت را خدا می گیری، همانا تو و قومت را در گمراهی آشکار می بینیم» (الأنعام، ۷۴). جریان نهی پدر از بت پرستی توسط ابراهیم در آیات متعددی از جمله (مریم، ۴۲؛ الأنبياء، ۵۲، الشعراء، ۶۹؛ الصافات، ۸۵؛ الزخرف، ۲۶) آمده است.

I. Text criticism

۲. در منابع امامیه گفته می شود پدر پیامبر (ع) نمی تواند مشرک باشد و لذا آزر عمومی آن حضرت دانسته شده است (نک: مسعودی، ۲۹؛ طوسی، ۱۷۵۴).

گفتنی است قرآن این شخص را یک بت پرست متعصب معرفی می کند که تا آخر عمر نیز از شرک توبه نکرد. در آیه (التوبة، ۱۱۴) وی دشمن خدا به شمار آمده و ابراهیم از او بیزاری جسته است. در قرآن کریم، پایان ماجراهای ابراهیم (ع) در موطن پدری خود، دیگر بار با شرک ورزی پدر او گره خورده است. پس از آن که ابراهیم در موطنش درگیر ماجراهایی چون شکستن بت های بتکده، مناظره با پادشاه و افتادن در آتش شد، بار دیگر آزر به عنوان اصلی ترین شخصیت مخالف به میان آمده است. دست آخر آزر او را تهدید کرد که «اگر دست برداری تو را سنگسار می کنم؛ مدتی از من دور شو» (مریم، ۴۶).

در بسیاری از آیات قرآنی، در انتقاد ابراهیم بر شرک ورزی، قوم وی نیز به پدر عطف شده، یا مستقیماً قوم مخاطب نقد او قرار گرفته اند (الأنعام، ۸۰ بی؛ الأنبياء، ۵۲ بی؛ الشعراء، ۷۰ بی؛ العنكبوت، ۱۶ بی؛ الصافات، ۸۵ بی؛ الزخرف، ۲۶ بی؛ الممتحنة، ۴).

نخستین نقدهای ابراهیم بر پرستش بت ها خطاب به آزر، و آخرین گفتگوی او با آزر که منجر به ترک موطن شد، یک بازه برای دوره خداجویی و تبلیغ ابراهیم در موطن ترسیم کرده است. آیه (العنكبوت، ۱۸) صریحاً و آیه (مریم، ۴۳) تلویحاً دلالت بر این دارد که ابراهیم (ع) در دوران مناظرات خود پیامبر بوده است. نیز در آیه (الأنبياء، ۶۰) آمده که این مناظرات و داستان شکستن بت ها مربوط به دوران جوانی اوست.

گفتنی است روایات مشابهی نیز در کتب یهود دیده می شود؛ در متن مکاشفه ابراهیم، به تفصیل آمده است که ابراهیم (ع) به مناسبت های مختلف با پدرش درگیر

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۱۳

مناظره بوده است؛ اوج داستان آن جاست که یک بار پدر ابراهیم او را برای فروختن چند بت به بازار می فرستد و ابراهیم در مکالمات هشدار دهنده که با خریداران خود دارد، آنان را از خرید بتان منصرف می سازد (مکاشفه/ابراهیم،^۱ فصل ۲). ماجرای این بازار رفتن، در برخی از منابع مدراشی مانند *تانا*^۲ از الياهو زوتا^۳ و نیز *براشیت ربا* به نقل از ربی حیا^۴ مختصرتر آمده است. در این دو متن، پدر ابراهیم به دنبال این ماجرا خود ابراهیم را نزد نمود برده است (براشیت ربا، ۳۸:۱۳؛ نیز گیگر، ۱۲۱؛ اشپیر، ۱۳۶). این موضوع در منابع روایی اسلامی نیز با پرداختی بسیار نزدیک به *مکاشفه/ابراهیم* بازتاب یافته است (مثلا کسای، ۱۳۲-۱۳۳).

همچنین در موضعی از مجموعه بت *همدراش* آمده است وی پدر و مادرش را که "تمثال نمود را به عنوان خدا تقدیس می کردند" به نقد گرفت که چگونه این تمثال را می پرستید، در حالی که "او با دهانش سخن نمی گوید، با چشمش نمی بیند، با گوشش نمی شنود و با پاهایش راه نمی رود و او حتی نمی تواند نیازهای خویش را برآورده سازد" (بت *همدراش*^۵، I/29).

به رغم این که دوره تبلیغ ابراهیم در موطن، بخش مهمی از تصویر قرآنی ابراهیم (ع) را تشکیل داده است، به این بخش از زندگی در متون یهودی-مسیحی بسیار اندک توجه شده است. در تورات تنها به این نکته اشاره شده است که ابراهیم به دستور خداوند از موطن خود "اور کلدانیان" بیرون آمد، بدون این که در باره علت

1 - *Apocalypse of Abraham*

2 - *Tanna de-vey Eliyahu*

3 - *Elijähû zûtâ*

4 - *Rabbi Hijjâ*

5 - *Beth Ha-Midrash*

۱۴ صحیفه مبین، شماره ۴۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸

آن و وقایع پیش از خروج سخنی به میان آید (سفر پیدایش، ۱: ۱۲). این مضمونی است که در شماری دیگر از کتب عهد عتیق و عهد جدید نیز در همین حد بدان اشاره شده است (صحیفه یوشع، ۲۴: ۲-۳؛ اعمال رسولان، ۷: ۲-۴؛ رساله به عبرانیان، ۱۱: ۸). تنها در منابع نادری از دو دین، به درگیری های ابراهیم (ع) با پدرش اشاره شده است. از جمله این موارد نادر می توان به کتاب مکاشفه ابراهیم که با بسطی تمام به حرفه بت تراشی پدر ابراهیم و مناظره های متعدد ابراهیم با او پرداخته است (فصل ۱-۳). در کتاب یویلیها نیز همین گفت و گو با بسط کمتری دیده می شود (کتاب یوییل ها، ۱۱: ۱۶-۱۲: ۱۲). در میان کتب مسیحی نیز، انجیل برنابا گفتگوهای در این باره نقل کرده است (انجیل برنابا، ۲۶: ۲۶ ب).

الف-۲. قطعه های استغفار برای آزر و "انی سقیم"

در چهار موضع از قرآن کریم سخن از آن است که ابراهیم (ع) به پدر خود وعده می کند که از خداوند برای او طلب مغفرت کند؛ اما در این میان تنها یک موضع است که موضوع استغفار را در چارچوب روند داستانی مطرح ساخته است؛ آنجا که در سوره مریم به تهدید ابراهیم (ع) توسط پدرش به رجم اشاره می شود، ابراهیم نسبت به آن این واکنش را نشان می دهد: "گفت سلام بر تو، به زودی برای تو از خداوند طلب آمرزش خواهم کرد، همانا او نسبت به من دلسوز است (مریم، ۴۷). در این سیاق، پیش از مسأله استغفار سخن از نقد بت پرستی از سوی ابراهیم (ع) خطاب به پدرش و مخالفت های پدر با ترک خدایان توسط ابراهیم است، و پس از مسأله استغفار از کناره گرفتن ابراهیم (ع) از قومش و هدیه گرفتن فرزندان صالحی چون اسحاق و یعقوب است.

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۱۵

در پرداخت سوره شعرا از داستان استغفار نیز پس از سخن گفتن از نقد بت پرستی توسط ابراهیم (ع) خطاب به پدر و قومش و پس از ستایش های از خداوند متعال، دعاهایی از زبان ابراهیم (ع) بیان می شود که در ضمن آن طلب بخشش برای پدرش آمده است، آن جا که می فرماید: "و بیامرز پدرم را، همانا که او از گمراهان بود" (الشعراء، ۸۶).

در اشارات سوره های توبه و ممتحنه سخن در سیاقی داستانی قرار ندارد و هیچ اشاره ای به موقعیت این وعده دیده نمی شود. از سوره ممتحنه گفته می شود که ابراهیم و همراهان او از قوم خود و معبودهای آنان براءت جستند و دشمنی میان آنان ظاهر گشت و به عنوان تنها استثنا بر این بغض و انقطاع کلی، چنین آمده است: "... جز سخن ابراهیم به پدرش که برای تو طلب آمرزش خواهم کرد و من از خداوند چیزی را برای تو نمی دارم (صاحب اختیاری نیستم)..." (الممتحنة، ۴).

در سوره توبه نیز در اشاره ای گذرا گفته می شود که اصل بر انقطاع از کفار بود و "استغفار ابراهیم برای پدرش نبود، مگر از سر وعده ای که به او داده بود، اما وقتی آشکار شد که او دشمن خداست از او بیزار می جست..." (التوبة، ۱۱۴). چنان که دیده می شود، در پرداخت های قرآن کریم، این قطعه یا کاملاً مستقل است، یا تنها به عنوان پیامدی برای مناظره ابراهیم (ع) با پدرش مطرح شده است و پیامد داستانی مشخصی ندارد. با وجود چهار بار تکرار داستان استغفار در قرآن کریم و با وجود بسطی که این موضوع در ابعاد مختلف علوم و فرهنگ اسلامی یافته، نمونه ای از توجه به آن در متون یهودی و مسیحی دیده نمی شود و برای پرداخت های قرآنی از داستان های ابراهیم (ع) یک ویژگی تلقی می شود.

قطعه "انی سقیم" در داستان های مربوط به حضرت ابراهیم (ع) در سراسر قرآن کریم، تنها یک بار آمده است و آن در سوره صافات است؛ آنجا که می فرماید:

"و همانا از پیروان او [نوح (ع)] ابراهیم بود؛ آن گاه که با قلبی سلیم نزد پروردگارش آمد. آن گاه که به پدرش و قومش گفت چه می پرستید؟ آیا به دروغ خدایانی جز الله می طلبید. گمان شما به پروردگار جهانیان چیست؟ پس نگاهی به ستارگان انداخت. پس گفت من بیمار هستم. پس از او روی گردانده، بازگشتند. پس به سوی خدایانشان روان شد ... " (الصفافات، ۸۸-۹۱).

در حد تفحص، بازتابی از این دو قطعه در منابع یهودی-مسیحی دیده نمی شود.

الف-۳. قطعه شکستن بت ها

یکی از نقاط اوج در داستان قرآنی ابراهیم (ع) که نام او را به عنوان پیامبر "بت شکن" در تاریخ فرهنگ اسلامی به ثبت رسانده، داستان ورود او به بتکده و فروشکستن همه بت ها، به جز یک بت به عنوان شاهد است. موضوع شکستن بت ها، ادامه روند اعتراض ابراهیم (ع) به پرستش بت ها خطاب به قوم خود است، چه می دانیم که در یکی از مکالمات قرآنی، ابراهیم قوم خود را به پدید آوردن حادثه ای برای بت ها تهدید کرده بود، آنجا که گفت "به خدا سوگند بتان شما را چاره ای خواهم ساخت، پس از آن که بازگردید" (الانبیاء، ۵۷).

در داستان سوره انبیاء، یعنی تنها موضعی که تهدید یاد شده به صراحت مذکور است، حکایت چنین ادامه یافته است که "پس آنها را قطعه قطعه کرد، مگر بزرگ آنها را، شاید که آنان به سوی او باز گردند. [زمانی که قوم بت ها را در آن حال دیدند] گفتند چه کسی با خدایان ما چنین کرده است. همانا او از ستمکاران است. گفتند شنیدیم که جوانی آنان را یاد می کرد که نام او ابراهیم است. گفتند او را بیاورید پیش چشمان مردم شاید که گواهی دهند. گفتند ای ابراهیم آیا تو به خدایان ما چنین کرده ای؟ گفت بلکه بزرگ آنان چنین کرده است، اگر سخن گفتن می دانند از خودشان بپرسید. آنها آنها به خویش بازگشتند پس گفتند که شما قومی ستمکارید و سپس سر به زیر افکند که دانستند آنان سخن

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۱۷

گفتن نمی دانند. [ابراهیم] گفت آیا می پرستید جز خداوند آنچه سودی و زیانی برای شما ندارد؟ اف بر شما و آنچه جز خداوند می پرستید، آیا خرد نمی ورزید؟" (الأنبياء، ۵۸-۶۷).

نقل سوره صافات چنین است: "پس به سوی خدایان آنها رفت پس گفت چرا [چیزی] نمی خورید؟ چرا سخنی نمی گوید؟ پس بر آنان ضربه ای به دست راست وارد آورد و آنها به سوی او فرود آمدند". آنگاه که قوم با او رویا روی شدند گفت: "آیا می پرستید آنچه خود می تراشید، حال آن که خداوند شما و آنچه می سازید را آفریده است" (الصافات، ۹۱-۹۶).

در هر دو حکایت داستان، تهدید به آتش افکندن ابراهیم به عنوان مجازات شکستن بت ها مطرح شده است، اما در داستان سوره عنکبوت، مجازات آتش بی درنگ پس از نصایح و انتقادات ابراهیم بر قومش مطرح شده و سخنی درباره شکستن بت ها نیامده است (العنکبوت، ۱۶ بی).

در متن مدرashi کردار/ابراهیم^۱ داستان این گونه آمده است: "نمرود ابراهیم را نزد خدایان و انهاد و سپس او را بازخواند. چنین دید ابراهیم که پادشاه به محل اجتماع خواهد رفت، و او تبری به دست گرفت و چون تمثال های خدایان پادشاه را پیش خود افراشته دید، با خود می گفت: جاودان باد خدا، جاودان باد خدا. و او آنها را از پایه خود به زیر کشید و در هم شکست، از بزرگ ترین آغاز کرد و با کوچک ترین تمام، از یکی پایش را کند و از دیگر سرش را، از برخی چشمانش را درآورد و از برخی پاها را. و چنین همه فروشکسته ها را آنجا و انهاد. نمرود که آمد، خدایان خود را خرد شده و تبر را در دست بزرگ ترین آنها یافت (بت

همدراش، I/ 25 ff).

در کتاب یویلیها سخن نه از شکستن بت ها که از آتش زدن آنهاست. بر اساس روایت این کتاب، "ابراهیم شبانه برخاست و خانه بت های او [پدرش] را آتش زد و آنچه در آن خانه بود آتش زد و کسی نبود که پیش تر آن را بداند. و آنان در شب خواستند تا بت های خود را از گزند شعله ها نگاهدارند. و هاران دوید تا آنها را نگاه دارد و شعله او را فراگرفت و در میان آتش سوخت" (کتاب یویلیها، ۱۲: ۱۳-۱۵). آتش زدن بت ها توسط ابراهیم در منابع مدراشی هم وارد شده است (بت همدراش، I/ 118ff). در برخی مدراشهای خرد اشاراتی وجود دارد مبنی بر این که ابراهیم با افکندن بت ها در آتش، قصد داشت نیروی بت ها را بیازماید (مجموعه مدراشهای خرد^۱، I/ 43ff؛ نیز اشپیر، 138).

در کتاب مکاشفه ابراهیم اگرچه نقشمایه شکستن بت ها وجود دارد، اما پرداخت آن کاملاً از قرآن کریم فاصله دارد. روزی ابراهیم (ع) به معبد رفته بود که متوجه شد خدای سنگی مروما پیشاپیش خدای آهنی ناحون به زمین افتاده است و ابراهیم که در آن زمان نوجوانی بیش نبود و خود را قادر نمی دید بت سنگی را به جای خود بازگرداند، موضوع را به پدرش خبر داد. وقتی او با پدرش همراه شد تا بت را به جای خود بازگرداند، سر بت به یک سو افتاد [و تنه آن خرد شد]. پدرش از او خواست تا به خانه رود و یک تبر بیاورد و او یک تنه جدید برای مرمورا تراشید و سر سالم را روی آن جای داد (فصل 2). بار دیگر، وقتی او پنج بت ساخته پدر را بر پشت درازگوش پدرش برای فروش به بازار برده بود، چهارپا رم کرد و سه پیکر از بت ها به زمین افتاده، فرو شکست (فصل 3-2).

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۱۹

بار سوم، در کارگاه بت تراشی، آن گاه که پدر از تراشیدن شماری بت چوبی فارغ شد و از ابراهیم خواست تا تراشه های چوب را جمع آوری و کارگاه را پاکیزه سازد، او در میان تراشه ها پیکره ای از خدایگان بریست را یافت که کاملاً سالم بر زمین افتاده بود. او بریست را برداشت و برای گرم کردن غذای پدر آن را آتش زد (فصل ۳). در هر سه مورد ناتوانی بت ها اندیشه ابراهیم را برانگیخت و به باطل بودن پرستش آنها سوق داد. تقابل بت های خرد شده در رویارویی با یک یا دو بت سالم، ویژگی مشترک در هر سه حکایت یاد شده است. در سه حکایت این متن، ابراهیم نه خرد کننده بت ها که اندیشنده در باره خرد شدگی آنهاست، اما در حکایت اخیر، او در آتش زدن بت مباشرت مستقیم داشته است. اما به هر حال، آن صحنه حماسی شکستن یا آتش زدن بت ها و آن ستیزه گری ناگهان برافروخته در این مکاشفه دیده نمی شود و تأکید بر اندیشه ورزی تدریجی و مستمر ابراهیم مضمون دائمی این متن است.

در منابع مسیحی به ندرت سخن از نابود کردن بت ها در میان است؛ از معدود موارد، باید از فیلاستریوس (د قبل ۳۹۷م) اسقف برسکیا^۱ یاد کرد که در کتاب خود "در باره بدعت ها" اشاره دارد که ابراهیم بت ها را قطعه قطعه کرده بود (فیلاستریوس، ۱۶۳). با وجود مسیحی بودن گریگوریوس ابن عبری، این نقل او که "هاران برادر ابراهیم و پدر لوط سعی می کند آتش را خاموش کند، ولی خود آتش می گیرد"، ممکن است از منابع یهودی و نه مسیحی گرفته شده باشد (ابن عبری، ۱۷).

در انجیل برنابا داستان با مضمونی مفصل آمده است؛ خلاصه مطلب آن است

که پدر ابراهیم از او خواست تا همراهش به معبد رود تا برای خود خدایی برگزیند. پس بامداد زودتر از همه به هیکل رفت و در زیر جامه تبری پنهان کرد. به هنگام انبوهی مردم ابراهیم در پشت بتی پناه گرفت و در حالی که پدرش گمان داشت او به خانه بازگشته است و کاهنان معبد را قفل زدند، تبر را برگرفت و دست و پای همه بت ها را قطع کرد، مگر بعل خدای بزرگ که تبر در پیش پای او نهاد میان خرده های پیکرانی که قطعه قطعه ریخته شده بودند. صبح هنگام که جماعت خروج ابراهیم از هیکل را دیدند به وی بدگمان شدند و چون بت های خود را شکسته یافتند، تصمیم به قتل او گرفتند. زمانی که در باره ارتکاب این عمل از ابراهیم پرسیدند، او گفت "جز این نیست که او [شکننده] همان خدای بزرگ است، مگر نمی بینید تبری که او راست نزد دو پای اوست" و در ادامه قوم تصمیم به آتش زدن او گرفتند (انجیل برنابا، ۲۷: ۱۵-۲۸: ۱۶). در مقایسه بین مضامین انجیل برنابا با کتب دیگر، پرداخت آن بیشترین قرابت را با قرآن کریم و منابع اسلامی دارد؛ از میان کتب یهودی تا اندازه ای به متن مدراشی کردار/ابراهیم نزدیک است، ولی به نظر نمی رسد نه از آن و نه از دیگر کتب یهودی - دست کم آن اندازه که می شناسیم - مضمون خود را گرفته باشد.

در متن کردار/ابراهیم چنین آمده است که مردم خشمگین نزد نمرود آمده گفتند: "ای پادشاه، سرور ما، بدان که ابراهیم نزد آنها [بت ها] نشسته بوده است و ما شنیده ایم که او آنها را فروشکسته است" (کردار/ابراهیم، 32 I). نزدیکی بسیار میان این تعبیر با تعبیر قرآن کریم، موجب شده است تا برخی چون اشپایر آن را متأثر از منابع عربی-اسلامی بدانند (اشپایر، 139).

در روایات اسلامی، گاه به گونه ای قابل مقایسه با وقایع همزمان با تولد پیامبر اسلام (ص)، سخن از آن آمده است که به دنبال تولد ابراهیم (ع) نیز بت ها همگی در بتکده فرو ریختند (کسایی، ۱۲۹)؛ در این پرداخت شکستن بت ها نتیجه

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۲۱
 ای تکوینی از وجود یافتن ابراهیم نشان داده شده است.

الف-۴. قطعه مناظره با نمرود

در برهه انتقال از تصمیم قوم به مجازات ابراهیم (ع) و انداختن او در آتش، مقطعی از داستان وجود دارد که تنها در سوره بقره بدان اشاره شده است، بدون آن که ربط آن به دیگر ماجراها در زندگی حضرت به بحث نهاده شود؛ در واقع این فقط کتب قصص الانبیاء و منابع غیر اسلامی هستند که بر واسطه بودن این ماجرا میان دو ماجرای مورد بحث تأکید دارند.

در داستان سوره بقره که از حیث روایت شناختی کاملاً مستقل از دیگر داستان های ابراهیم در قرآن کریم است، سخن از آنجا آغاز می شود که احتجاجی میان ابراهیم (ع) با پادشاه جبار عصر خود رخ داده است؛ مناظره ای که موضوع آن همچنان پرستش خدای یکتاست. شاید حضور او در برابر پادشاه، نتیجه شکستن بت هاست و این که قوم ابراهیم برای اجرای مجازات او را نزد پادشاه آورده بودند، پیشینه ای که در کتب اسلامی قصص الانبیاء بدان تصریح شده است (ثعلبی، ۷۶). اما زمینه حضور او نزد پادشاه هر چه بود، در داستان قرآنی تصریحی بر آن دیده نمی شود و تصریح هم نیست که پادشاه دستور به آتش زدن ابراهیم داده باشد. در واقع داستان سوره بقره، تنها ناظر به احتجاجی است که ابراهیم در آن پیروز شده است، بدون آن که اشاره به قبل و بعدی داشته باشد. در بسط مناظره در سوره بقره چنین آمده است: "... آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگار من آن است که زنده می کند و می میراند. او گفت: منم آن که زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: همانا خداوند خورشید را از مشرق می آورد، پس تو آن را از مغرب بیاور. پس آن کافر مبهوت شد و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند" (البقرة، ۲۵۸).

در منابع مدرثی اشاره به این مناظره نادر است؛ تنها موضع قابل ذکر

یادکردی نزد الیاهو زوتا در *تانا* است که شرح ماجرا را چنین آورده است: "نمرود به ابراهیم گفت: تو باور نداری که همه فرمان ها به دست من است و خورشید، ماه، ستارگان و آدمی زادگان همه از من ریشه گرفته اند. و تو، چرا خدایان واجب الاحترام مرا نابود کردی؟ آن گاه خداوند به ابراهیم فراستی عطا کرد و او به نمرود گفت: سرور من پادشاه، قاعده جهان چنین است از زمانی که جهان آفریده شده است تا امروز که خورشید همیشه از شرق طلوع می کند و در غرب فرو می رود. آیا تو می توانی فردا خورشید را از غرب برآوری و در شرق فروبری؟" (سیدرسکی، 33). در *برائیت ربا* از منابع مدراسی، که بازتابی نزدیک به *تانا* از مناظره دارد، مناظره ابراهیم با نمرود مرحله ای میانی بین انکار خدایان بابل و افتادن در آتش است، اما مضامین مناظره کاملاً با مضامین یاد شده در قرآن کریم و الیاهو زوتا تفاوت دارد، از جمله آن که نمرود از ابراهیم خواسته است اگر بت‌ها را عبادت نمی کند، آتش را عبادت کند (*برائیت ربا*، 13:38).

چنان که در بخش های پیشین اشاره شد یا در بخش بعد خواهد آمد، در منابع یهودی و نیز قصص اسلامی نام نمرود به مناسبت های دیگری مانند مناظره ابراهیم با پدرش و نیز موضوع شکستن بت ها نیز به میان آمده است، بدون آن که ارتباط مستقیمی با مجازات ابراهیم و انداختن او به آتش داشته باشد، اما نقش اثرگذار نمرود مربوط به زمانی است که مردم شکایت خدایان خود را نزد نمرود بردند.

الف-۵. قطعه افتادن به آتش

چنان که پیش تر اشاره شد، در سوره انبیاء و صفات، موضوع به آتش افتادن ابراهیم (ع) به عنوان مجازاتی برای شکستن بت ها مطرح شده است. در حالی که در سوره عنکبوت چنین علتی برای آتش افکندن بیان نشده است.

در داستان سوره انبیاء حکایت با این پرداخت آمده است که مشرکان قوم ابراهیم "گفتند او را آتش زنید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کننده باشید.

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۲۳

گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش و آنان می خواستید او را چاره ای اندیشند، پس آنان را زیانکارتر ساختیم و او و لوط را نجات دادیم به زمینی که در آن برای عالمیان برکت نهادیم" (الأنبياء، ۶۸-۷۱). لوط در قرآن پیامبری از ایمان آورندگان به ابراهیم و از خاندان اوست.

پرداخت داستان در سوره عنکبوت این گونه است: "پس نبود پاسخ قومش مگر این که گفتند او را بکشید یا آتش زیند، پس او را خداوند از آتش نجات داد. همانا در آن نشانه هایی است برای قومی که ایمان آورند" (العنکبوت، ۲۴). در ادامه ضمن اشاره به همراهی لوط و مهاجرت از موطن آمده است که "پس لوط به او ایمان آورد و (ابراهیم) گفت من مهاجر به سوی پروردگارم هستم، همانا او عزیز و حکیم است" (العنکبوت، ۲۶).

اما روند داستان در سوره صفات این گونه آمده است: "گفتند برای او سازه ای بسازید پس وی را در آتش سوزان افکنید. چون برای او چاره ای خواستند، پس آنان را فروتران نهادیم. و [ابراهیم] گفت همانا من رونده به سوی پروردگارم هستم، به زودی مرا راه خواهد نمود" (الصفات، ۹۷، ۹۹).

روند داستان ابراهیم (ع) در سوره مریم تفاوتی محسوس با موارد پیش یاد شده دارد. در این سوره داستان ابراهیم از همان نقطه آغاز می شود که وی نقد بتان را از مخاطب نهادن پدرش آغاز می کند و او را از عواقب بت پرستی بیم می دهد (مریم، ۴۱-۴۵)، به جای شکستن بت ها در این سوره، به روی گردان شدن ابراهیم از خدایان پدرش بسنده شده (مریم، ۴۶) و به جای آتش افتادن به این تهدید پدرش که "اگر نهی نگیری، تو را رجم خواهیم کرد" (مریم، ۴۶). اما همچنان موضوع مهاجرت در این جا مورد توجه است؛ زیرا پدر ابراهیم پس از مکالمه با تعبیر "واهجرنی ملیا" [برای چندی مرا ترک کن] از او می خواهد که موطنش را ترک کند و او در پاسخ می گوید: "و از شما کناره می گیرم و از آن

جا جز خداوند می پرستید" (مریم، ۴۶-۴۸).

درباره پرداخت منابع یهودی از داستان آتش افتادن ابراهیم (ع)، نخست باید نقل سنهدرین اشاره کرد که از زبان قوم ابراهیم می آورد: "آن ها گفتند یک برج می سازیم و آن را تا آسمان بالا می بریم، آنگاه به تبر آن را فرو می افکنیم. آنها به سه گروه تقسیم شدند" گروهی پیشنهاد کردند که بر آسمان برآییم و آن را استوار کنیم، گروهی دیگر گفتند او [ابراهیم] را با رسم بت پرستی آشنا سازیم و سرانجام گروهی در نظر داشتند که جنگی بر ضد آسمان برانگیزند" (سنهدرین، 190a؛ نیز سیدرسکی، 40). در برائیت ربا نیز به نقل از قوم آمده است: "پس یک برج می سازیم و بتی در قله آن می نهیم و تیغی در دست آن می نهیم که بتواند بر ضد آسمان بجنگد" (برائیت ربا، 38:6)، بدون آن که این موضوع مستقیماً با مجازات ابراهیم ارتباط داده شده باشد.

به نقل پساحیم از کتب تلمود اشاره کرد که می گوید: "وقتی نمرود شقی پدر ما ابراهیم را به تنور آتش در انداخت، جبرئیل به یکتای مقدس گفت: فرمانروای جهان، اجازه فرما پایین بروم و آن را سرد کنم و آن مرد صدیق را از تنور آتش رها نمایم. یکتای مقدس گفت: من یگانه در جهان خودم هستم و او نیز در جهان خود یگانه است. برای کسی که او یگانه است، سزاوار آن است که یگانه ای او را رها سازد" (پساحیم، 118a). در کتاب عروبین از کتب تلمود، ضمن سخن از دشمنی نمرود با ابراهیم، یادآوری شده است که "او دستور داد پدر ما ابراهیم به تنور آتش در انداخته شود" (عروبین، 53a).

نجات ابراهیم از آتش در کتاب ابوت از تلمود (عبود ...، 5:3) و در شماری از کتب مدراشی نیز دیده می شود (برائیت ربا، 38:13؛ نیز 39:3، 42:11، 63:2، 43:6؛ نیز اشپیر، 143). در این میان قولی نادری از الیعازار بن یعقوب نقل می شود مبنی بر این که میکائیل ابراهیم را نجات داد، حال آن که غالب

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۲۵

ربانیان باور دارند که خداوند خود به نجات ابراهیم پرداخته است (برائیت ربا، 44:13). در "مجموعه مدراشهای خرد"، فرشته در این باره به بحث با خدا می پردازد که اجازه داشته باشد ابراهیم را نجات دهد (مجموعه مدراشهای خرد، 43 ff) و الیاهو زوتا در *تانا* بیان می کند فرشته خدا او را ملامت می کند که چرا شخصاً او را نجات داده است (اشپیر، 143). در متن *کردار/ابراهیم*، خدا با این کلمات به آتش دستور می دهد: "سرد باش و آرام بر بنده من ابراهیم" (بت همدراش، 1/34).

اما گاه منابع مدراشی از تصویر قرآنی از موضوع و تصویر مشهور یهودی فاصله دارند. از جمله قسمتی از نقل برائیت ربا از ماجرا نه بر محور ابراهیم که بر محور برادرش هاران است. در این متن در ادامه نقد خدایان توسط ابراهیم و مناظره ابراهیم با نمرود چنین آمده است: "او [نمرود] پاسخ داد: ... من تنها آتش را می پرستم و من تو را به میان آن خواهم افکند؛ سپس بگذار خدایی که تو می پرستی بیاید و تو را از آن رها سازد". اما سپس هاران به محور داستان تبدیل می شود و حکایت چنین ادامه می یابد: "هاران در آنجا با تردید ایستاده بود. او گفت هرچه رخ دهد اگر ابراهیم پیروز شود من قائل به سخن ابراهیم خواهم بود، اما اگر نمرود پیروز شود، من قائل به سخن نمرود خواهم بود. وقتی ابراهیم به درون تنور آتش فرود آمد و رهایی یافت، آنها به او [هاران] گفتند تو در طرف که هستی؟ او به آنها گفت طرف ابراهیم. آنها وی را گرفتند و به آتش افکندند ... این است معنای آن آیه: و هاران در حضور تارح پدرش مرد" (برائیت ربا، 38:13).

فراتر باید به گونه ای غریب از داستان اشاره کرد که علت مجازات شدن ابراهیم را سرباز زدن او از پختن آجر برای ساختن برج بابل به همراه ۱۱ تن دیگر قلمداد کرده است؛ آن ۱۱ تن از زندان گریختند و ابراهیم تنها کسی بود که برای مجازات به آتش افکنده شد. در ادامه، خداوند که تصمیم به نجات ابراهیم می

۲۶ صحیفه مبین، شماره ۴۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸

گیرد، زلزله ای می فرستد که تنور آتش را می شکند و آتش را به گونه ای پراکنده می کند که همه - شامل ۸۳۵۰۰ نفر - بدان می سوزند، در حالی که به ابراهیم اندک گزند نمی رسد. این گونه از داستان را فیلولی دروغین در کتاب باستانیها به نقل از روایات مدراسی آورده است (فیلولی دروغین، 18-5 VI).

یوسفوس مورخ یهودی نیز به رغم انتظار، تنها سخن از آن دارد که مردم کلدی به سبب باورهایی که ابراهیم ترویج می کرد، بر ضد او "جنجال" به پا کردند و او را وادار ساختند آن جا را ترک کند، بدون آن که از شکستن بت ها، از مناظره با نمرود و از افتادن به آتش مشخصاً سخنی به میان آورد (یوسفوس، کتاب اول، 7: I).

گفتنی است در منابع مسیحی نیز اشاراتی به قصه رهایی ابراهیم از آتش دیده می شود (نک: اشپیر، 143-144؛ باکس، 93-94) و در تقویم سریانی قدیم، ۲۵ ژانویه سالگرد نجات ابراهیم از تنور آتش دانسته می شده است (اشپیر، 144). سنت آگوستین نیز در *شهر خدا* به این داستان اشاره ای دارد (آگوستین، 15: XVI).

اما در *انجیل برنابا* داستان به طور خلاصه چنین آمده است: "پس قوم مقدار بزرگی از هیزم جمع کردند و دو دست و پای ابراهیم را بستند و او را بر روی هیزم ها گذاشته و زیر آن آتش نهادند. پس آن وقت خداوند به واسطه فرشته جبرئیل به آتش امر نمود که بنده او ابراهیم را نسوزاند. پس آتش به شدت زبانه کشید و قریب دو هزار مرد از آنان که حکم به مردن ابراهیم نموده بودند سوزانید ... و این چنین ابراهیم از مرگ نجات یافت" (*انجیل برنابا*، ۲۸: ۱۶-۲۲). در این پرداخت از داستان، پایانه روایت گونه ای رقیق شده از داستان فیلولی دروغین در

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۲۷

باستانیهاست، در حالی که بخش اول داستان، از حیث شالوده پرداختی مستقل از عناصر مشهور داستان در منابع اسلامی- یهودی است. حضور جبرئیل در این روایت، با پساحیم از تلمود و با برخی کتب قصص الانبیاء اسلامی (ثعلبی، ۷۸؛ راوندی، ۱۰۹) قابل مقایسه است، اما در قرآن کریم و عموم کتب دو دین، یا نامی از فرشته ای نیست، یا آن فرشته میکائیل است. در برخی روایات اسلامی نیز درخواست نجات ابراهیم از سوی فرشتگان و این پاسخ خداوند که خود شخصاً ابراهیم را نجات می دهد (راوندی، ۱۰۸)، به گونه ای نزدیک به منابع تلمودی- مدراشی آمده است.

در برخی از روایات اسلامی، سخن از دو بار به آتش افتادن ابراهیم (ع) آمده است؛ یک بار به تعبیری نزدیک به منابع تلمود- مدراشی، سخن از آن است که نمرود را تنوری آهنین بود که برای مجازات گناه کاران از آن استفاده می کرد و ابراهیم را در آن انداخت، اما تنور سرد شد و ابراهیم را نسوزانید. سپس در بار دیگر او مردم بابل را چهار سال واداشت تا همیشه فراهم آورند و آتشی بزرگ افروخت که بلندی زیانه آن به ۴۰۰ ذراع می رسید و به اشاره ابلیس، ابراهیم را با منجنیقی به داخل آن انداخت که آن نیز سرد و سلامت شد (کسایی، ۱۳۹-۱۴۰؛ برای قسمت اخیر، نیز رک: راوندی، ۱۰۸).

در حد فاصل میان رهایی ابراهیم از آتش و آغاز مهاجرت، مرحله ای افزوده دیده می شود، در حالی که غالب متون از چنین مرحله ای خالی است. کسایی در همین مرحله، از تصمیم نمرود برای ساختن تختی پرنده برای جنگ با خدای آسمان یاد کرده است (کسایی، ۱۴۰). در روایت همو، عذاب الهی بر نمرود و قوم او نازل شد و تمامی شهر ویران گردید و آن گاه بود که ابراهیم شهر را ترک نمود (کسایی، ۱۴۱).

ب. صورتبندی داستان های قرآنی ابراهیم

ب-۱. سوره بقره

الْمَ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ
الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ
مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
(۲۵۸)

صورتبندی روند:

قطعه مستقل، بدون ارتباط روایت شناختی با آیات قبل و بعد

ب-۲. سوره انعام

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَرْتَنِي أَصْنَامًا ءِالِهَةً إِنِّي أُنذِرُكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ .
وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ . فَلَمَّا جَنَّ
عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا ءِ قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ . فَلَمَّا رَأَى
الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ
الضَّالِّينَ . فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يُنْقِضُ
إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ . إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ . وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحْجُونَنِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِي
وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا
تَتَذَكَّرُونَ . وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۲۹

يُنزِلُ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ ۗ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ . وَتِلْكَ حُجَّتُنَا
 ءَاتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ ۗ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ . وَوَهَبْنَا
 لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۗ كُلًّا هَدَيْنَا ۗ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ ۗ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ
 وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ ۗ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (الأنعام، ۷۴-۸۴)

صورتبندی روند:

قطعه نقد بت پرستی: پدر < [ارائه ملکوت < لا احب الآفلین <] قطعه نقد بت
 پرستی: قوم < نجات (تلویح: امن) < [برکت در فرزندان < پاداش به جماعتی از
 جمله لوط^۱]

ب-۳. سوره توبه

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ
 عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ ۗ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّهٌ حَلِيمٌ (۱۱۴)

صورتبندی روند:

نقد بت پرستی: پدر (تلویح)

۱. آنچه در این جا و در ادامه این بخش داخل کروشه قرار گرفته، یا افزوده های غیر داستانی است، یا بخشی از داستان است که بخه رابطه دوطرفه ابراهیم و خداوند بازمی گردد و نقشی برای مخالفان او در نظر گرفته نشده است.

ب-۴. سوره مریم

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ ^ع إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا . إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا . يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا . يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا . يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا . قَالَ أَرَأَيْتُ أَنْتَ عَنْ ءِالِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَأَهْجُرَنِي مَلِيًّا . قَالَ سَلِّمْ عَلَيَّ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا . وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا . فَلَمَّا آعَزَّهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ^ع وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا . وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (مریم، ۴۱-۵۰)

صورتبندی روند:

قطعه نقد بت پرستی: پدر < استغفار > نقد بت پرستی: قوم (تلویح) < نجات (تلویح: واهجرنی/اعتزلکم) < برکت در فرزندان >

ب-۶. سوره انبیاء

❖ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ . إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ هَاهَا عَٰكِفُونَ . قَالُوا وَجَدْنَا ءِآبَاءَنَا هَاهَا عِبْدِينَ . قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَءِآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِينَ . قَالَ

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۲۱

بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُمْ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ .
 وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدْبِرِينَ . فَجَعَلَهُمْ جُذُودًا إِلَّا كَبِيرًا هُمْ
 لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ . قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَٰذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ . قَالُوا
 سَمِعْنَا فَتَىٰ يَدُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُٗ إِبْرَاهِيمُ . قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ
 يَشْهَدُونَ . قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَٰذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ . قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا
 فَسَأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ . فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ .
 ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ . قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن
 دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ . أَفَلِ لَكُمْ أَلْمَامٌ لِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
 أَفَلَا تَعْقِلُونَ . قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ . قُلْنَا يَنَارُ كُونِي
 بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ . وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ . وَجَجِنَاهُ وَلُوطًا
 إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ . وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۗ وَكُلًّا جَعَلْنَا
 صَالِحِينَ . وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ
 الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ ۗ وَكَانُوا لَنَا عَبِيدِينَ (۵۱-۷۳)

صورتبندی روند:

قطعه نقد بت پرستی: پدر+قوم < قطعه شکستن بتها < نقد بت پرستی < قطعه

افتادن در آتش < نجات (همراه با لوط) < برکت در فرزندان

ب-۷. سوره شعراء

وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ . إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ . قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عِزْفِينَ . قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ . أَوْ يَنفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ . قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ . قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ . أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ . فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ . الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ . وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي . وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي . وَالَّذِي يُمَيِّتُنِي ثُمَّ نُحْيِينِي . وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ . رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقِّي بِالصَّالِحِينَ . وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ . وَاجْعَلِي مِن وَّرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ . وَأَعْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ . وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ (۶۹-۸۷).

صورتبندی روند

قطعه نقد بت پرستی: پدر+قوم < استغفار برای پدر > [مباحثی در خداشناسی

و معاد]

ب-۸. سوره عنكبوت

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِنَّ إِلَهَهُ تَرْجُمُونَ . وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ . أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ . قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۳۳

اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ ۗ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ . وَمَا
 أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۗ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا
 نَصِيرٍ . وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِعَايَةِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ هُم
 عَذَابٌ أَلِيمٌ . فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنجَاهُ اللَّهُ
 مِنَ النَّارِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ . وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا
 مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ ۗ وَيَلْعَنُ
 بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ . * فَمَنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي
 مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي ۗ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ
 النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ ۚ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا ۗ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۶-۲۷).

صورتبندی روند:

قطعه نقد بت پرستی: قوم < افتادن در آتش > نجات (صریح) [> برکت در

فرزندان]

ب-۹. سوره صافات

* وَإِنَّ مِّن شَيْعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ . إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ . إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ
 مَاذَا تَعْبُدُونَ . أَإِيفِكَا إِلَهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ . فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ . فَنظَرَ نَظْرَةً فِي
 النُّجُومِ . فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ . فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ . فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَتَكَلَّمُونَ . مَا
 لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ . فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ . فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ . قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا
 تَحْمِلُونَ . وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ . قَالُوا آبَاؤُنَا لَهُ بُيُوتٌ فَالْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ . فَأَرَادُوا

بِهِ كَيْدًا جَعَلْنَاهُمْ الْأَسْفَلِينَ . وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّدِينَ (۸۳-۹۹).

صورتبندی روند:

قطعه نقد بت پرستی: پدر+قوم < انی سقیم < قطعه شکستن بتها < نقد بت پرستی < افتادن در آتش < نجات (تلویح: ذاهب سیه‌دین)

ب-۱۰. سوره زخرف:

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ . إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيِّدِي .

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ . لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۶-۲۸)

صورتبندی روند:

قطعه نقد بت پرستی پدر و قوم < نجات (تلویح: سیه‌دین) [< برکت در فرزندان]

ب-۱۱. سوره ممتحنه

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ . إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَّاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ . إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ . رَبَّنَا عَلِّمْنَا لَكَ مَا تَشَاءُ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۴)

صورتبندی روند:

قطعه نقد بت پرستی: قوم < استغفار برای پدر

ج. گونه شناسی داستانیها

با افزودن داده های مربوط به قطعات داستانی در بخش اول به داده های ارائه

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۳۵

شده در بخش دوم در خصوص صورتبندی روند آیات مربوط به قصص ابراهیم (ع) در موطن، می توان به یک گونه شناسی در خصوص این داستان ها و تنوع مقاصد آنها راه جست. در همین بخش به عنوان گامی در جهت درک بهتر این گونه ها، گونه شناسی مشابهی در باره داستان های ارائه شده در منابع یهودی-مسیحی نیز به دست داده می شود.

در خصوص داستان های قرآنی، می توان تمامی آنها را به سه گروه زیر تقسیم کرد:

دسته اول: داستان قوم ابراهیم (ع) و مصائب آن حضرت تا نجات

با صورتبندی: نقد قوم < ... < نجات

این گروه، خود دارای سه زیر گروه است، شامل:

الف. نقد قوم < نجات

بدون اشاره به قطعات میانی، در سوره های انعام و زخرف

ب. نقد قوم < افتادن در آتش < نجات

بدون اشاره به شکستن بت ها، در سوره عنکبوت

ج. نقد قوم < شکستن بت ها < افتادن در آتش < نجات

شامل هر چهار قطعه، در سوره های انبیاء، صافات

دسته دوم: مناظره با نمرود، بدون پیشینه و پسینه، در سوره بقره

دسته سوم: داستان استغفار ابراهیم (ع) برای پدرش

با صورتبندی: نقد پدر < استغفار < جدایی، بدون بحث از نجات

در سوره های توبه، شعراء، ممتحنه

گفتنی است بر اساس قرآن ارتباطی میان داستان مناظره با دیگر قطعات داستانی ابراهیم (ع) دیده نمی شود، اما در منابع قصص الانبیاء اسلامی و نیز در منابع مدراسی یهود، این ارتباط کاملاً مشهود است و داستان مناظره مرحله ای

میانی در داستان های گروه اول است. به هر روی از آن جا که مناظره با پادشاه به نوعی رویارویی با اندیشه های کفرآمیز جامعه است، می توان گروه دوم را به نوعی در کنار گروه اول قرار داد و به دو صورتبندی کلی رسید:

صورتبندی اول: نقد قوم < (+ - شکستن بت ها، مناظره با نمرود، افتادن در آتش) < نجات

صورتبندی دوم: نقد پدر < استغفار برای پدر < جدایی از پدر

تلفیق صورتبندی های اول و دوم: اندراج روند داستانی گروه دوم در روند گروه اول، تنها در سوره مریم دیده می شود؛ با ترتیب: نقد پدر < استغفار برای پدر < نقد قوم < نجات، به نحوی که می توان گفت ساختار گروه اول دقیقاً پس از اتمام ساختار گروه دوم آمده است، هر چند برخی پیوستگی ها به این چینش ارزشی انداموار و نه منقطع داده است.

به جز مورد سوره مریم، در ورود به داستان های گروه اول، نقد بت پرستی چه مخاطب آن پدر باشد و چه قوم، بخش نخست داستان است و بعد داستان وارد مراحل دیگر می شود. در گروه اول، مخاطب نقدهای ابراهیم (ع) قوم اوست و قابل انتظارترین پرداخت، مورد مشهود در سوره عنکبوت است که در آن تنها سخن از نقد قوم در میان است؛ در پرداخت سوره های انعام، صافات و زخرف، سخن از نقد پدر و سپس قوم است، اما بحث از پدر به قوم منعطف شده است.

در باره مدخل داستان های گروه دوم که در آنها سخن بر محور پدر است، قابل انتظارترین پرداخت توبه دیده می شود که مخاطب نقد ابراهیم تنها پدر است. در سوره شعرا، سخن با نقد پدر و قوم توأماً آغاز می شود، اما بحث به پدر منعطف می گردد و در سوره ممتحنه با وجود آغاز سخن با نقد قوم، سخن به صورت معنایی به پدر منعطف می شود.

در خصوص داستان ها در منابع یهودی- مسیحی، می توان تمامی آنها را به دو

آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه آن با منابع یهودی - مسیحی ۲۷

گروه زیر تقسیم کرد:

دسته اول: داستان قوم ابراهیم (ع) و مصائب آن حضرت تا نجات

با صورتبندی: نقد قوم < ... > افتادن در آتش < نجات

این گروه، خود دارای سه زیر گروه است، شامل:

الف. نقد قوم < شکستن بت ها > افتادن در آتش < نجات

در *کردار ابراهیم، انجیل برنابا*، به طور خلاصه در کتاب فیلاستریوس

ب. نقد قوم < مناظره با نمروود > افتادن در آتش < نجات

تائای الياهو زوتا، برائشیت ربا

در این پرداخت، این هاران برادر ابراهیم است که در آتش می سوزد.

ج. نقد قوم (تلویح) < کارشکنی در ساخت برج بابل > افتادن در آتش < نجات

در کتاب فیلون دروغین

* در شماری از منابع تلمودی و مدراشی و نیز منابع مسیحی، تنها به بخش

نجات از آتش اشاره و بسنده شده است.

دسته دوم: داستان پدر ابراهیم (ع) و درگیری های آن حضرت با وی تا

مهاجرت

با صورتبندی: نقد پدر < سوزاندن بت های پدر > جدایی از پدر

در مکاشفه ابراهیم، یوبیلها، مواضعی از مدراشهای خرد و بت همدراش، تاریخ

ابن عبری

در این پرداخت، باز محوریت هاران دیده می شود.

در مجموع می توان این دو صورتبندی کلی را ارائه کرد:

صورتبندی اول: نقد قوم < (+/-) شکستن بت ها، مناظره با نمرود > افتادن
در آتش < نجات^۱

صورتبندی دوم: نقد پدر < سوزاندن بت های پدر > جدایی از پدر

نتیجه گیری

در مقایسه میان قصص قرآنی ابراهیم (ع) در موطن پدری خود، بخش مهمی از
قصص می تواند در قالب یک صورتبندی مشترک قابل تطبیق باشد:

صورتبندی مشترک اول: نقد قوم < (+/-) شکستن بت ها، مناظره با نمرود،
افتادن در آتش > نجات

در پرداخت هایی از داستان ابراهیم (ع) که این صورتبندی دیده می شود،
محور اصلی شخصیت کفرستیز آن حضرت است که با تفصیل کمتر یا بیشتر
مصائبی را در برمی گیرد که آن حضرت از قوم خود متحمل شده و در نهایت از
کید آنان نجات یافته است. برون این رفته صورتبندی بیشتر متکی بر نجات از
بت پرستان و دشمنان توحید است تا ساختن زمینه ای برای مهاجرت ابراهیم از
خانه پدری و دیار خود در بین النهرین.

صورتبندی های دوم در قرآن کریم و متون یهودی- مسیحی، ویژه هر یک از
آنهاست، اما وجه مشترک میان آنها این است که بیشتر به روابط خانگی ابراهیم
با پدرش معطوف بوده است، به طوری که می توان از آن یک صورتبندی کلان
و مشترک دیگر را استنباط کرد:

صورتبندی مشترک دوم: نقد پدر < استغفار برای پدر | سوزاندن بت های

۱. مورد کارشکنی در ساخت برج بابل نزد فیلون دروغین، به دلیل کم اهمیت بودن نادیده گرفته شده است.